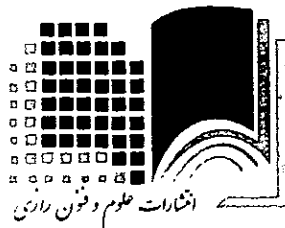


عال شکل گیری اندیشه سیاسی در جوامع در حال گذار

سید عبدالامیر نبوی

استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی



- سرشناسه : نبوی. سیدعبدالامیر
- عنوان و نام پدیدآور : علل شکل‌گیری اندیشه سیاسی در جوامع در حال گذار / سیدعبدالامیر نبوی.
- مشخصات نشر : تهران: علوم و فنون رازی، ۱۳۹۱.
- مشخصات ظاهری : ۱۳۵ ص.
- شابک : 978-600-93333-5-6
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۲۵.
- موضوع : خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران.
- موضوع : ۱۳۷۹ - ۱۳۶۸ -- علوم سیاسی
- موضوع : علوم سیاسی -- کشورهای در حال رشد
- موضوع : تحولات اجتماعی -- کشورهای در حال رشد
- رده‌بندی کنگره : JA ۸۴/۵۵۲ ۱۳۹۱
- رده‌بندی دیویی : ۳۲۰/۹۱۷۲۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۷۵۴۱۶

علل شکل‌گیری اندیشه سیاسی در جوامع در حال گذار

سیدعبدالامیر نبوی

تحقیق و تدوین در پژوهش‌سرای رازی

انتشارات علوم و فنون رازی

چاپ اول: ۱۳۹۱ نسخه: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۳۳۳-۵-۶

ISBN: 978-600-93333-5-6

آدرس: تهران، خیابان شریعتی، خیابان پلیس، کوچه کاشانی نژاد، پلاک ۱۲،

طبقه همکف. تلفن: ۸۸۴۸۳۲۸۵

RAZIPUB@YAHOO.COM

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	یادداشت‌های مقدمه
۱۵	فصل اول : مفاهیم
۱۵	الف. اندیشه سیاسی
۲۰	ب. جامعه در حال گذار
۲۴	ج. همبستگی و رابطه علی
۲۶	یادداشت‌های فصل اول
۳۱	فصل دوم: مروری بر تئوری‌های میان‌برد
۳۱	الف. نظریه پرسش‌های همیشگی (تیندر)
۳۷	ب. نظریه بحران (اسپریگنز)
۴۵	یادداشت‌های فصل دوم
۴۷	فصل سوم: جامعه در حال گذار
۴۷	الف. جامعه سنتی
۵۱	ب. جامعه در حال گذار
۵۷	ج. جامعه مدرن

۶۱	د. ایران: جامعه در حال گذار.....
۶۵	هـ. نقش خلاقیت در شکل‌گیری اندیشه سیاسی.....
۷۰	یادداشت‌های فصل سوم.....
۷۳	فصل چهارم: اندیشه سیاسی امام خمینی (ره).....
۷۵	الف. بحران معنا از دیدگاه امام.....
۷۶	ب. مراحل تطور نظریه ولایت فقیه.....
۹۶	ج. ریشه‌های فکری اندیشه سیاسی امام.....
۱۰۷	یادداشت‌های فصل چهارم.....
۱۱۳	نتیجه‌گیری.....
۱۲۲	یادداشت‌های نتیجه‌گیری.....
۱۲۵	منابع.....

مقدمه

از دیر زمان، بررسی افکار و دیدگاه‌های متفکران سیاسی و بیان نقاط قوت و ضعف آنها، شیوه معمول محافل علمی بوده است و در ضمن نشان از توانایی‌های علمی فرد پژوهشگر داشته است. در این روش که هنوز هم رایج و پسندیده است، گاه انسجام آرای یک متفکر و ارتباط منطقی اجزای آن به‌بوته نقد گذاشته می‌شود، و گاه قدرت آن در تبیین واقعیت‌های عالم خارج ارزیابی می‌گردد. رعایت اعتدال و انصاف در طرح و نقد نظریات، از جمله قواعد مهم و نانوشته این روش است. اما می‌توان به آراء و افکار اندیشمندان سیاسی از زاویه‌ای دیگر هم نگاه کرد و آن، چگونگی شکل‌گیری آراء و افکار است. در این حالت تلاش بر آن است که تأثیر متقابل ذهن و عین، و اندیشه و محیط نشان داده شود؛ به عنوان نمونه، میزان تأثیر اوضاع و احوال اجتماعی در شکل‌گیری اندیشه یک متفکر یا برآمدن یک مکتب سیاسی شناسایی شود. این شیوه اگرچه جدید نیست، در ایران کمتر مورد توجه بوده است.

نکته مهم آن که این روش با "تاریخ‌نگاری اندیشه سیاسی" تفاوت دارد. تفاوت در آن است که در روش مورد توجه این کتاب، کشف میزان اثرگذاری متقابل اندیشمندان و محیط پیرامون وی محور اصلی پژوهش است، اما در تاریخ‌نگاری اندیشه‌ها، بیشتر نویسندگان ترجیح می‌دهند که گزارشی از مکاتب گوناگون سیاسی یا آراء متفکران سیاسی ارائه دهند و حداکثر برای آشنایی خوانندگان به بیان اجمالی اوضاع فرهنگی، اجتماعی در آن دوره بپردازند. چنین گزارشی البته آموزنده است، ولی همه‌جانبه و عمیق نیست.

برای بررسی علل شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی دو راه وجود دارد:

نخست، بهره‌گیری از نظریات کلان؛ یعنی آنکه با مفروض گرفتن چارچوب و آموزه‌های این نظریات سعی کنیم پاسخی برای پرسش‌های خود بیابیم. مقصود از

نظریات کلان، نظریه‌هایی است که حوزه‌های گوناگون معرفت را مورد توجه قرار می‌دهند و تلاش می‌کنند برای دغدغه‌ها و پرسش‌های اساسی انسان درباره هستی، سعادت، آزادی، برابری و... پاسخ‌های رضایت‌بخش و قانع‌کننده بیابند، از اینرو دامنه گسترده‌ای دارند. بدیهی است که این چارچوب تحلیلی برای پاسخ‌گویی به مسایل دیگر هم به کار می‌آید؛ مانند: علل شکل‌گیری اندیشه‌های اقتصادی، یا علل ظهور یک مکتب خاص در جامعه‌شناسی.

دوم، طرح نظریه‌های میان‌برد: در این روش، هدف ما صرفاً کشف علل شکل‌گیری اندیشه سیاسی در یک مکان خاص یا یک دوره خاص تاریخی است. بنابر این با انتخاب یک یا چند زاویه دید، چارچوبی برای تحلیل فراهم می‌کنیم و سپس به مطالعه می‌پردازیم. در نتیجه، پاسخ به دست آمده برد محدودی دارد؛ یعنی فقط برای آن زمان یا مکان خاص معتبر است و از توضیح علل شکل‌گیری اندیشه‌های دیگر، مثلاً اقتصادی، در همان دوره ناتوان است.

به عنوان مثال، اگر بخواهیم با استفاده از دیدگاه مارکسیستی، ریشه‌های شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی را در یک دوره خاص تاریخی بشناسیم، مطالعه ما از نوع نخست خواهد بود، در حالی که اگر بخواهیم علل روانی برآمدن اندیشه سیاسی را در یک دوره خاص تاریخی کشف کنیم، به ناچار باید چارچوبی تحلیلی متناسب با زاویه دید خود - که روانشناختی است - بسازیم. در این صورت پژوهش ما از نوع دوم به شمار می‌رود.

در اینجا توضیح چند نکته درباره تفاوت‌های دو روش یادشده ضروری به نظر می‌رسد:

۱. در روش نخست، چارچوبی آماده برای تحلیل وجود دارد، ولی در روش دوم این چارچوب بایستی در ابتدا ساخته شود.

۲. در روش نخست، نوع نگاه آن مکتب یا نظریه به محقق تحمیل می‌شود و او نمی‌تواند زاویه دید دیگری را برگزیند، درحالی که در روش دوم، محقق می‌تواند زاویه نگاه به موضوع را خود انتخاب کند یا آنکه از چند زاویه دید استفاده کند و در نهایت تحلیلی چندبُعدی ارائه نماید.

۳. به خاطر نوع نگاه به موضوع تحقیق در روش نخست، جرح و تعدیل در چارچوب تحلیل به سختی صورت می‌گیرد. بر عکس در روش دوم می‌توان متناسب با زاویه دید از چارچوب تحلیلی نظریات و تئوری‌های موجود - حتی نظریات کلان - به اندازه نیاز بهره برد و حتی در آن مقدار، تغییر انجام داد و چون برد نظریه‌پردازی محدود است در عمل مشکلی پدید نمی‌آید.

۴. استفاده از نظریات کلان برای تحلیل یک موضوع موجب می‌شود قدرت پذیرش یافته‌های دیگر نظریات و مکاتب درباره همان موضوع کاهش یابد. در مقابل، نظریات میان‌برد عرضه گسترده‌ای را برای تداوم تحقیق و پژوهش باقی می‌گذارند.

با توجه به این ویژگی‌ها به نظر می‌رسد استفاده از روش دوم برای بررسی علل شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی مناسب‌تر و مفیدتر باشد.

اگر عناوین و موضوعات آثار چاپ شده در حوزه "اندیشه سیاسی" در ایران را ملاک قرار دهیم، به خوبی مشهود است که دو شیوه "تاریخ‌نگاری اندیشه‌های سیاسی" و "بررسی نقادانه اندیشه‌های سیاسی" تاکنون مورد توجه بیشتری بوده است. اساساً وجود نظریات کلان و دستگاه‌های فکری و فلسفی گوناگون سبب می‌شود که پاسخ تعدادی از پرسش‌ها، از جمله علل شکل‌گیری اندیشه سیاسی، معلوم یا دست‌کم قابل پیش‌بینی باشد. با این حال، طی دهه‌های اخیر با زیر سؤال رفتن انسجام درونی، کارآیی و قدرت تبیین نظریات کلان، مقبولیت آنها نیز کاهش یافته است. از سوی دیگر، طرح دیدگاه‌های کسانی چون کوهن، پوپر و فیرابند انقلاب‌هایی را پدید آورده، موجب رشد و گسترش مباحث جامعه‌شناسی معرفت و فلسفه علوم اجتماعی شده است. این دگرگونی‌ها، زمینه و بستری مناسبی را برای بررسی چگونگی پیدایی اندیشه سیاسی در یک مکان یا یک دوره خاص تاریخی فراهم ساخته است. با توجه به این زمینه مناسب فکری، به نظر می‌رسد امروزه می‌توان موضوع مورد بحث را به شکل مناسب‌تر و دقیق‌تری بررسی کرد و خلاء موجود را تا اندازه‌ای برطرف نمود، هرچند بایستی اعتراف کرد که این کم‌کاری در ایران همچنان چشمگیر و تأسفاور است. در واقع، درباره علل شکل‌گیری اندیشه سیاسی، در ایران، منابع زیادی موجود نیست. تعدادی سعی کرده‌اند با استفاده از نظریات کلان، به ویژه دیدگاه مارکسیستی، این مسأله را

بررسی کنند و طی سال‌های گذشته تحقیقاتی هم راجع به حالت‌های روحی اندیشمندان من‌جمله اندیشمندان سیاسی صورت گرفته است. در این نوع تحقیقات که با دید روان‌شناسانه صورت می‌گیرد، سعی بر کشف رابطه وضعیت روانی اندیشمندان و آثار علمی آنان است.^(۱)

چنان‌که گفته شد، در زبان فارسی تحقیق چندانی در این زمینه صورت نگرفته و اندک آثار موجود نیز از زبان انگلیسی ترجمه شده است. به طور مشخص می‌توان کتاب‌های *فهم نظریه‌های سیاسی*^(۲) و *تفکر سیاسی*^(۳) نام برد. اتفاقاً در هر دو کتاب از تئوری میان‌برد استفاده شده است که در فصل دوم بدان اشاره خواهد شد. مشخص است که کمبود منابع سبب می‌شود پرداختن به این موضوع مشکل‌تر شود و البته اهمیت بیشتری پیدا کند.

با توجه به نکات پیش‌گفته، سؤال اصلی و آغازین نوشته حاضر آن است که کدام عامل یا عوامل در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی در جوامع در حال گذار مؤثرند؟ فرضیه‌ای که در این زمینه مورد بررسی و آزمون قرار می‌گیرد، عبارت است از آنکه: گسستگی بین واقعیت‌های زندگی سیاسی و پاسخ‌های چارچوب فکری حاکم بر جامعه، یا ناتوانی آن چارچوب از تبیین واقعیت‌ها، سبب می‌شود که جامعه وارد دوران گذار شود. مهمترین ویژگی جامعه در حال گذار، بروز بحران معنا است. بین این بحران و شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی همبستگی وجود دارد.

درباره فرضیه یادشده لازم است این نکته تذکر داده شود که تاکنون بحث درباره علل شکل‌گیری اندیشه سیاسی بود، اما برای آنکه نتیجه دقیق‌تری از بحث گرفته شود، دامنه آن را محدود کرده‌ایم و صرفاً شکل‌گیری اندیشه سیاسی را در جوامع در حال گذار مورد بررسی قرار داده‌ایم. همچنین این فرضیه براساس دیدگاه‌های ماکس وبر، جامعه‌شناس مشهور آلمانی، استوار است و مفاهیم موجود در آن با توجه به آرای وی تعریف خواهد شد. توضیح اینکه مطالعات وبر شامل موضوعات متنوعی همچون روش‌شناسی، اقتصاد، حقوق و جامعه‌شناسی می‌شود، ولی روش مورد توجه او در پژوهش‌های جامعه‌شناسی با رویکرد نوشته حاضر مناسبت بیشتری دارد. گزینش برخی از مفاهیم وبری و استخراج چارچوبی برای تحلیل کمک می‌کند تا از راهی جامعه‌شناسانه، آن چنان‌که وی انتظار داشت، به

نتیجه برسیم، ضمن آنکه این زاویه دید منافاتی با پیمودن دیگر راه‌های پژوهش ندارد. به عبارت دیگر، استفاده از روش و مفهوم‌سازی‌های وبر در جامعه‌شناسی ضمن آنکه مفید و ثمر بخش است، عرصه وسیعی را برای تحقیق بیشتر باقی می‌گذارد. با توجه به مطالبی که ذکر شد، آشکار است که کتاب حاضر هم از لحاظ روشی و هم - تا حدی - از لحاظ بینشی بر نوشته‌های وبر استوار است.

در فرضیه‌ای که آمد و مورد بررسی قرار خواهد گرفت، چند متغیر وجود دارد؛ دو متغیر مستقل "گسستگی بین واقعیت‌های زندگی سیاسی و پاسخ‌های چارچوب فکری حاکم بر جامعه" و "ناتوانی چارچوب فکری حاکم از تبیین واقعیت‌های زندگی سیاسی" موجب به وجود آمدن "بحران معنا" (متغیر واسطه) می‌شوند و این بحران به نوبه خود در "شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی" (متغیر وابسته) نقش دارد. متغیر مستقل اول نشانگر آن است که بین واقعیت‌ها و تبیین چارچوب فکری حاکم از این واقعیت‌ها گسستگی وجود دارد، ولی متغیر مستقل دوم بیانگر آن است که این چارچوب اصلاً پاسخی برای تبیین واقعیت‌ها ندارد.

کتاب حاضر از چهار فصل و یک نتیجه‌گیری تشکیل شده است. در فصل اول، بررسی مفاهیم مهم و اساسی انجام می‌شود. توضیح و بررسی این مفاهیم برای درک دامنه بحث ضروری است. در فصل دوم، مروری بر ادبیات بحث صورت می‌گیرد و طی آن، دو تئوری میان‌برد که علل شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی را تبیین کرده‌اند، بررسی و نقد خواهد شد. در هر دو تئوری نکات مفید و روشنگری وجود دارد که در تهیه چارچوب تحلیلی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در فصل سوم که از اهمیت زیادی نیز برخوردار است، با بهره‌گیری از مباحثی که طی دو فصل قبل از آن طرح شده است، چارچوبی پیشنهاد خواهد شد که با استفاده از مباحث وبری به تحلیل موضوع می‌پردازد، برای محک‌زدن توانایی و قدرت تحلیل چارچوب پیشنهادی، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با استفاده از این روش مورد توجه قرار خواهد گرفت. این بررسی در فصل چهارم صورت می‌گیرد. بخش پایانی، نتیجه‌گیری است که در آن جمع‌بندی و چکیده‌ای از مباحث ارائه می‌شود.

نگارش این کتاب بدون راهنمایی استاد اندیشمند جناب آقای دکتر حسین بشیریه ممکن نبود، همچنان که نکته‌سنجی‌ها و انتقادات استاد محترم جناب

آقای دکتر محمدهادی سمتی موجب سامان یافتن این کتاب شد. ضمن سپاس از این دو استاد بزرگوار، گفتنی است که مسئولیت کاستی‌های نوشته حاضر برعهده نویسنده است.

www.ketab.ir

یادداشت‌های مقدمه

۱. به عنوان نمونه می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که در مجله *American Scientific*, Feb. 1995 چاپ شده است. براساس این پژوهش، بررسی زندگی هنرمندان، نویسندگان و اندیشمندان بزرگ نشان می‌دهد که میان خلاقیت و بیماری افسردگی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

۲. توماس اسپرگنز، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰. این کتاب ترجمه‌ای است از:

Thomas Spragens, *Understanding political Theory*, New York: St. Martin's Press, 1967.

۳. گلن تیندر، *تفکر سیاسی*، ترجمه محمود صدری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴. این کتاب ترجمه‌ای است از:

Glen Tinder, *Political Thinking; The perennial Questions*, Boston: Little, Brown and company, 1974.